

حقوق تجارت

ولی در هر صورت وجوب حل باری مطالب بین شرکاء در بدو امر مورد توجه قرار گرفته و مقرر شده که مطالب مزبور در اساسنامه ذکر شود و در این مورد متأسفانه موضوعات اساسی با شروط خارجی تلفیق شده است چنانچه بر حسب صریح ماده هم موضوع شرکت و هم طریقه سهامیه شرکت هر دو در اساسنامه قید میشود و حال آنکه موضوع یا مقصود شرکت از جمله مطالب اساسی است که شرکت برای آن تشکیل میشود و تهیه صورت حساب به نحوه خاصی یک شرط خارجی است بین شرکاء - تغییر اولی یعنی تغییر موضوع شرکت تغییر نفس شرکت است و حال آنکه تغییر قسمت تالی تزلزلی در نفس شرکت ایجاد نمی کند و بسا تغییر آن شرکت بحال خود باقی است.

شرایط خارجی در واقع بمنظور اداره کردن امور داخلی شرکت است و بهمین مناسبت این قبیل شرایط در شرکت های حقوقی اغلب ضمن عقد خارج شرط میشود که تغییر آن بدون عقد شرکت و تأثیر در آن امکان پذیر باشد

چون در قانون تجارت سوای شرکتنامه اساسنامه نیز برای شرکتهای سهامی پیش بینی شده است شاید مقصود تأمین منظور فوق بوده است منتهای مراتب موفقیت حاصل شده است

تغییر مطالبی که از امور اساسی شرکت نیست مؤثر در حقوق اشخاص ثالث نمی باشد و اگر قبلاً طریقه تغییر آن بین شرکاء حل شده باشد تغییر مزبور بکیفیت مقرر نسبت بشرکاء باعتبار « المؤمنون عند شروطهم » و ماده ۱۰ قانون مدنی نافذ و مؤثر است.

ولی تغییر مطالب اساسی با حقوق اشخاص ثالث که

۷ - عدم سهامی را که مدیران شرکت باید بصدوق شرکت بپردازد

۸ - مقررات راجع بدعوت مجمع عمومی و حق رأی صاحبان سهام و طریقه شور واحد رأی

۹ - مطالبیکه برای قطع آن در مجمع عمومی اکثریت مخصوص لازم است .

۱۰ - طرز ترتیب صورت حساب سالانه و رسیدگی بان و همچنین اصولی که برای حساب منافع و تقسیم آن باید رعایت شود

۱۱ - طرز تغییر اساسنامه

ذکر نکات مشروحه فوق در اساسنامه الزامی است و ممکن است بر حسب مقتضیات هر نکته دیگری که برای انتظامات داخلی شرکت مفید باشد در اساسنامه گنجانیده شود منتهای مراتب نکته مذکور نباید مخالف با مقررات قانونی و انتظامات عمومی باشد و اغلب دیده شده است که علاوه بر آنچه در گذشته اشاره شد نکات ذیل نیز در اساسنامه قید میشود .

۱ - طرز مطالبه اقساط سهام

۲ - طرز انتخاب مدیران و مدت خدمت آنها

۳ - حدود اختیارات مدیران و مواردیکه مدیران فاقد صلاحیت میشوند

۴ - موارد تشکیل مجامع فوق ماده

۵ - صدور تصدیق موقتی و طریقه آن

۶ - طریقه ثبت اسامی دارندگان سهام

چنانچه در گذشته بیان شد قانون تجارت نسبت به تعریف شرکتنامه و آثار حقوقی و قانونی آن و نکاتی که باید در آن قید شود کاملاً ساکت است و سکوت مزبور از نقطه نظر اهمیت موضوع قابل عفر و اغماض نیست

باعبار مطالب مزبور ایجاب در روابطی با شرکت نموده تماس
مختلف میکند. بنابراین تغییر مطالب اساسی بدون دخالت
اشخاص ثالث ذمه‌لا فیه مؤثر در حقوق آنها واقع نخواهد
شد در این صورت تغییر مزبور مفهوم خارجی نداشته و کان
لم یکن خواهد بود.

بطوریکه اشاره شد مقررات فملی نسبت بمندرجات
شرکتنامه ساکت است ولی هر گاه احیاً در شرکت
نامه موضوع شرکت تصریح شده باشد و بموجب صریح
ماده نیز موضوع مزبور در اساسنامه قید شود و بعداً به
موجب مقررات اساسنامه تصمیم به تغییر اساسنامه در قسمت
مربوط به موضوع شرکت اتخاذ شود آیا میتوان گفت
که این تغییر اساسنامه مؤثر در شرکتنامه است؟ چنین
ادعائی صرف نظر از آنکه مخالف با اصول مدرسه قدیمه
باعت مورد تخطئه و استهزاء دانشمندان جدید نیز واقع
خواهد شد بنابراین این تفریق مواد شرکتنامه با اساسنامه مورد
فداشته و تجزیه و تفکیک آن از واجبات و مورد
انتظار است.

اساسنامه تابع شرکتنامه است و باین مناسبت مندرجات
اساسنامه هیچگاه مخالف با مصدحات شرکتنامه یا از آنها
بر آنچه در آن ذکر شده نخواهد بود.
گرچه بموجب دستور ماده ۱ نظامنامه ثبت شرکت
ها مصوب ۱۳۱۱ شرکتنامه باید در موارد مذکور
در ماده سند رسمی باشد ولی مقررات مزبور ارتباطی با
اساسنامه ندارد و حاضری نیز به رسمی بودن برگه مزبور
نمی باشد ولی در هر حال سواد مصدق آن بموجب
ماده ۴ آئین نامه فوق الذکر باید بدائره ثبت شرکتها
تسلیم شود.

تأثیر و نفوذ اساسنامه

اساسنامه که برای اداره کردن امور داخلی شرکت
تهیه و تنظیم میشود نسبت به (۱) شرکت و (۲) شرکاء و
(۳) اشخاص ثالث دارای اثراتی است.

(۱) شرکت در امور داخلی خود تابع اساسنامه
است زیرا شرکت در صورتی میتواند باین امور اقدام

نماید که در اساسنامه تصریح شده باشد چنانچه ماده ۷۶
مقرر میدارد که «هر گاه شرکت بخواهد بموجب مقررات
اساسنامه سهام بی‌اسم خود را به سهام با اسم تبدیل نماید...»
با استنباط از صدر ماده در صورتیکه اساسنامه تبدیل سهام
را تجویز نموده باشد شرکت نمی تواند آنرا انجام دهد
بنابراین شرکت مجاز در تبدیل سهام نخواهد بود مگر
باجازد اساسنامه که این موضوع کانسف از آنست که شرکت
در امور داخلی خود تابع مقررات اساسنامه است و
در این قبیل امور اساسنامه نسبت به شرکت نافذ
است.

(۲) علاوه بر آنکه طبق اصول کلی و ماده ۱۰ قانون
مدنی مقررات اساسنامه نسبت به شرکاء بین یکدیگر نافذ
است مستفاد از مقررات قانون تجارت نیز مفید این معنی
است بطوریکه مثلاً در ماده ۶۸ مقرر شده است که «در
جلسات مجمع عمومی با هیچکدام از صاحبان سهام معمولی
و صاحبان سهام ممتاز از حیث رأی تفاوتی ندارند مگر
آنکه اساسنامه سزکت طور دیگر مقرر کرده باشد»

نفوذ اساسنامه نسبت به شرکاء در امور مربوطه به
شرکت است و در غیر این موارد تسری آن مورد نخواهد
داشت مثلاً اگر اساسنامه مقرر داشته باشد که شرکاء نتوانند
سهام خود را بقیه ر از شرکاء بدیگری انتقال دهند در
این مورد اساسنامه مؤثر و نافذ است ولی اگر اساسنامه
تصریح کند که شرکاء حق هیچگونه نالی و انتقالی در
اموال شخصی خود اعم از منقول یا غیر منقول ندارند امر
مزبور ارتباطی با امور داخلی شرکت ندارد و مخالف
با اصل مالکیت و نسبت به شرکاء نافذ نخواهد بود.

گرچه اساسنامه در روابط شرکاء بین یکدیگر
در امور شرکت مؤثر است ولی در روابط شرکت و
با شرکاء زمانی مؤثر است که شرکاء باعتبار اساسنامه
اقدام فملی با شرکت نموده باشند. مثلاً اگر در اساسنامه
شرکت سهامی حقوق مدیر شرکت معین شده باشد و
یکی از شرکاء به سمت مدیریت انتخاب شود در این
صورت اگر مدیر مزبور باعتبار مصدحات اساسنامه